

## معجزات و امدادهای غیبی در عصر ظهور

مهدی یوسفیان<sup>۱</sup>

### چکیده

امدادهای الهی به حجت‌های آسمانی گذشته و نیز معجزاتی را که از سوی پیشوایان دینی انجام پذیرفته است می‌توان از مهم‌ترین سنت‌های خداوند در جامعه انسانی دانست. بی‌گمان تقابل با شیاطین و دشمنان دین که با همه توان درصدد خاموش کردن نور الهی هستند، بدون عنایات خاص پروردگار امکان ندارد. بر پایه متون مقدس دینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان آخرین وصی و جانشین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، قیام و انقلاب جهانی و تشکیل حکومت دینی عدالت‌گستر جهان شمول را عهده‌دار است. بر این اساس، معجزات و امدادهای غیبی الهی در عصر ظهور برای امام زمان چه خواهد بود؟ در این مقاله با بررسی روایاتی که در این زمینه وارد شده است، نقش امدادهای الهی مانند لشکر رعب، همراهی فرشتگان، نصرت ویژه، نیروهای طبیعت، اصلاح امور و نزول حضرت عیسی علیه السلام و نیز معجزاتی که به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می‌شود - همچون آوردن کتب آسمانی گذشته، احیای اموات، پرچم فتح و میراث پیامبران قبل - تحلیل و ارزیابی می‌شود.

**کلیدواژگان:** امام مهدی، معجزه، امداد غیبی، عصر ظهور.

## مقدمه

تأمل در ظهور امام مهدی نشان می‌دهد این رویداد از عجیب‌ترین حوادث مربوط به جامعه بشری است.

شاید بتوان ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از عجیب‌ترین حوادث زندگی انسانی دانست؛ اتفاقی که جهان و تاریخ حرکتی آن را دگرگون می‌کند؛ رویدادی که با مدیریت امامی معصوم، جامعه انسانی را تحت یک حکومت واحد درآورده، با نابودی همه تباهی‌ها و استقرار کامل دین و ایجاد امنیتی فراگیر، مسیر عمومی انسان‌ها را در مسیر صحیح زندگی که همان عبودیت و بندگی است قرار می‌دهد: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار می‌سازد و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت»<sup>۱</sup>.

طبیعی است چنین رخداد عظیم و بی‌نظیری، دربردارنده حوادث و اتفاقات خاصی باشد، تا با تکیه بر آن‌ها اهداف حضرت حق به دست توانای خلیفه الهی روی زمین تحقق یابد. این وقایع با توجه به نوع حرکت و گستره آن می‌تواند از تنوع و گوناگونی فراوانی برخوردار باشد که همه آن‌ها را می‌توان در دو چیز خلاصه کرد:

۱. سنت الهی نصرت و یاری ویژه خداوند به نصرت‌کنندگان دین حق: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ؛ اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد»<sup>۲</sup>.

۲. ایجاد آرامش و سکینه در قلوب مؤمنان: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرُدُّوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد، تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند. و لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن

۱. نور، ۵۵.

۲. محمد، ۷.

خداست، و خداوند دانا و حکیم است»<sup>۱</sup>.

این نوشتار به دنبال آن است که با توجه به احادیث منقول از ائمه معصومین علیهم السلام به بررسی معجزات و امدادهای غیبی دوران ظهور بپردازد.

## مفهوم‌شناسی

قبل از تبیین حوادث ویژه دوران ظهور، ابتدا لازم است به مفاهیم خاص این تحقیق اشاره شود.

معجزه: از ریشه «عجز» بوده و مراد از آن، انجام کاری است که طرف مقابل او از انجامش عاجز باشد<sup>۲</sup>. در اصطلاحات دینی، معجزه کار خارق‌العاده‌ای است که مدعی نبوت برای اثبات ادعای خود انجام می‌دهد و دیگران از آوردن همانند آن ناتوان می‌باشند.<sup>۳</sup>

متکلمان امامیه یکی از راه‌های ثبوت امامت امام را نیز معجزه یا کرامت دانسته‌اند.<sup>۴</sup> شیخ مفید در پاسخ به انتقادی در مورد چگونگی شناخت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور می‌گوید: «ظهور نشانه‌ها و معجزات، به دست «امامان» دلیل بر پیامبری آنان نیست؛ زیرا آوردن معجزات، به مدعی پیامبری اختصاص ندارد؛ بلکه معجزات به طور اجمال، تنها دلیل بر صحت و درستی ادعاکننده است؛ چه آن «ادعا» ادعای پیامبری باشد و چه ادعای دیگری. پس اگر مدعی، ادعای پیامبری کند، معجزه دلیل بر پیامبری آن شخص خواهد بود و اگر ادعای امامت و رهبری داشته باشد، معجزه دلیل بر صدق امامت آن شخص است»<sup>۵</sup>.

ابن میثم بحرانی گفته است: «امام، باید بتواند آیات و کراماتی را از جانب خداوند انجام دهد؛

۱. فتح، ۴.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۲۴.

۳. علامه حلی، کشف المراد، ص ۱۵۷.

۴. اصل صدور کار خارق‌العاده از امام معصوم مورد اتفاق است؛ ولی برخی استعمال واژه «معجزه» را مخصوص پیامبران دانسته و فعل خارق‌عادت امام را تحت عنوان «کرامت» یاد می‌کنند.

۵. شیخ مفید، ۱۴۲۳، ص ۱۲۳.

زیرا گاهی برای تصدیق ادعای امامت به آن نیاز خواهد بود»<sup>۱</sup>.

نکته مهمی که در بحث معجزه باید بدان توجه داشت آن است که فاعل و انجام دهنده معجزه، شخص پیامبر یا امام است؛ زیرا نتیجه حاصل از اثبات حقانیت او می باشد. طبق این بیان، مراد از معجزات در عصر ظهور، کارهای خارق العاده‌ای خواهد بود که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می دهد تا حق بودن دعوت و موعود حقیقی بودن خود را ثابت کند.

این برداشت از معجزه، در اصطلاح علم کلام، امری ثابت شده است؛ ولی تاریخ زندگی پیشوایان آسمانی مشحون از کارهای خارق العاده‌ای است که برای اثبات ادعای آن‌ها نبوده است؛ بلکه برای کمک به دوستان و گره‌گشایی از مشکلات آن‌ها یا به منظور تثبیت قلوبشان انجام پذیرفته است. خداوند درخواست مائده آسمانی از حضرت عیسی علیه السلام را از این قسم بیان می کند.<sup>۲</sup>

بنابر این، مراد از معجزات در زمان ظهور، مجموعه کارهای خارق العاده‌ای خواهد بود که به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام خواهد شد، تا هم برای کسانی که بر امامت ایشان دلیل می خواهند، نشانه باشد، و هم یاری و ایجاد سکینه و اطمینان قلوب برای مؤمنان را به همراه داشته باشد، و یا حل مشکلی را رقم بزند.

امدادهای الهی: عنایات خاص خداوند است از سوی خداوند که به عنوان کمک به پیروان حق انجام می شود و یاری دین حق و مؤمنان را نتیجه می دهد. این امدادها می تواند با استفاده از نیروهای الهی مثل ملائکه باشد و می تواند با بهره‌گیری خاص از موجودات دنیایی تحقق یابد. خداوند در این زمینه می فرماید: «[به خاطر بیاورید] زمانی را [که از شدت ناراحتی در میدان بدر،] از پروردگارتان کمک می خواستید و او خواسته شما را پذیرفت [و گفت:] من شما را با يك هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می آیند، یاری می کنم. \* ولی خداوند، این را تنها برای شادی و اطمینان قلب شما قرار داد و گر نه، پیروزی جز از طرف خدا نیست. خداوند توانا و حکیم است. \* [یاد آورید] هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از

۱. بحرانی، قواعد المرام، ص ۱۸۲.

۲. مائده، ۱۱۳.

آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دل هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد»<sup>۱</sup>.

بنابر آنچه گذشت، امدادهای الهی در زمان ظهور، مجموعه عنایات خاصی است که از سوی خداوند رخ می‌دهد و باعث تثبیت قلوب مؤمنان و وحشت دشمنان حق می‌شود. این تحقیق درصدد آن است با تکیه بر روایات امامان معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف به بررسی و تحلیل امدادهای خاص الهی و معجزاتی بپردازد که از طرف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر می‌شود. ذکر این نیز نکته حائز اهمیت است که با توجه به تأکید قرآن به سنت امدادهای الهی و رخداد معجزات پیامبران و وقوع آن در امت‌های گذشته، و نیز فراوانی روایات فریقین در زمینه وقوع عنایات الهی در دوران ظهور و تحقق مشابهات آن‌ها در گذشته، نیازی به واکاوی اسناد روایات دیده نشد.

## امدادهای الهی در زمان ظهور

بی‌تردید وقوع امداد الهی به عنوان یکی از سنت‌های خداوند، برای پشتیبانی از حجت خدا و تثبیت قلوب مؤمنان و نیز ایجاد آمادگی بیشتر پذیرش عموم مردم، تأثیری شگرف در پیشبرد اهداف دینی در جامعه و نفی برنامه‌های طاغوت دارد. تاریخ زندگی حجت‌های آسمانی گذشته مملو از این الطاف است و گوشه‌ای از آن‌ها در متون مقدس دینی اشاره شده است. ما در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد. خداوند در آیات متعدد قرآن به این مطلب به عنوان یک قاعده کلی تصریح کرده است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و [در آخرت] روزی که گواهان به پا می‌خیزند، یاری می‌دهیم»<sup>۲</sup>.

بر اساس روایات، سنت امداد الهی در دوران ظهور نیز شامل حال امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران ایشان می‌شود. این امدادها هم در ابتدای ظهور و هنگامه قیام و مبارزه رخ می‌دهد و به پیروزی

۱. مائده، ۹-۱۱.

۲. غافر، ۵۱.

لشکریان حق می‌انجامد، و هم در دوران حکومت روی می‌دهد و تحقق اهداف دین و آرمان‌های قیام را به همراه دارد.

## ۱. هدایت ویژه

شناخت صحیح مسیر زندگی و راهنمایی به آن، اصلی‌ترین نیاز آدمی شمرده می‌شود و چون معرفت عقلی و حسی برای درک درست راه حیات انسانی در زمین کارآیی لازم و کافی را ندارد، هدایت الهی ضروری می‌نماید؛ از این رو است که خداوند هنگام هبوط حضرت آدم به زمین، اولین مطلبی را که مورد اشاره قرار می‌دهد، هدایت است: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ گفتیم: همگی از آن، فرود آید. هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست، و نه غمگین شوند».<sup>۱</sup> اهمیت هدایت به قدری است که خداوند با آن بر انسان منت گذاشته و آن را نعمتی سنگین شمرده است.<sup>۲</sup>

هدایت الهی از سوی انبیای آسمانی انجام یافت<sup>۳</sup> تا نوبت به خاتم رسولان الهی رسید که بر همه جهانیان مبعوث شد.<sup>۴</sup> خداوند همراه با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آخرین کتاب آسمانی را در اختیار انسان قرار داد.<sup>۵</sup> و هدایت آن را شامل همه انسان‌ها حتی مؤمنان متقی دانست<sup>۶</sup> و از آن‌ها خواست هر روز، هدایت طلب کنند<sup>۷</sup> و هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از هدایت الهی ندانند.

روشن است هدایت الهی باید از مجرای انسان برگزیده باشد.<sup>۸</sup> کسی که بتواند هدایت‌های آسمانی را به درستی تحمل کند و دیگر خودش نیازی به راهنمایی و هدایت فرد دیگری نداشته

۱. بقره، ۳۸.

۲. حجرات، ۱۷.

۳. انبیاء، ۷۳.

۴. اعراف، ۱۵۸.

۵. بقره، ۱۸۵.

۶. بقره، ۲.

۷. حمد، ۶.

۸. رعد، ۷.

باشد: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ؟» آیا کسی که هدایت به سوی حق می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا آن کس که خود هدایت نمی‌شود، مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود، چگونه داوری می‌کنید؟<sup>۱</sup>

از آنچه گذشت روشن می‌شود اصلی‌ترین ویژگی جانشین پیامبر هدایت‌شدگی اوست؛ لذا صفت مهم خلیفه رسول خدا، «مهدی» خواهد بود. در حدیثی از وجود مقدس امام حسین علیه السلام به این نکته مهم اشاره شده است: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرُهُمُ التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَهُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ؛ از ما خاندان، دوازده مهدی است که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب است و آخرین آن‌ها نهمین از فرزندان من است و او امامی است که قائم به حق است».<sup>۲</sup>

قیام آسمانی و جهانی منجی عالم بشریت و موعود الهی در آن گستره عظیم از یک سو، و دعوت همه جهانیان به دین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان<sup>۳</sup> از سوی دیگر، اقتضای هدایت ویژه الهی امام موعود را دارد؛ از این رو عنوان «مهدی» اصلی‌ترین و معروف‌ترین لقب آن بزرگوار است. در روایتی آمده است که شخصی به نام ابوسعید خراسانی می‌گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: «الْمَهْدِيُّ وَالْقَائِمُ وَاحِدٌ؟ فَقَالَ نَعَمْ؛ فَقُلْتُ: لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ؛ آیا مهدی و قائم یکی است؟ فرمود: آری. عرض کردم: چرا او را مهدی می‌گویند؟ فرمود: زیرا او به هر امر مخفی، راهنمایی شده است».<sup>۴</sup>

لقب «مهدی» برای موعود از مسائلی است که نزد اهل سنت نیز مورد قبول و اتفاق بوده و در کتب روایی آنان به صورت گسترده منعکس شده است؛ به گونه‌ای که ترمذی صاحب یکی از کتب ششگانه (کتب سته) معتبر اهل سنت، نام باب روایات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را «بَابُ مَا جَاءَ فِي الْمَهْدِيِّ» قرار داده است.<sup>۵</sup> و ابن حجر نام کتاب خود را «القول المختصر فی علامات

۱. یونس، ۳۵.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷.

۳. توبه، ۳۳.

۴. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۴۷۱.

۵. ترمذی، السنن، ج ۴، ص ۵۰۵.



المهدی المنتظر» گذاشته است.<sup>۱</sup> آنچه اهمیت لقب «مهدی» را برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیشتر می‌کند، تبیینی است که در متون روایی اهل سنت در این زمینه آمده است. از کعب نقل شده است: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِي لِأَنَّهُ يُهْدِي لِأَمْرٍ قَدْ خَفِيَ؛ به درستی که او را مهدی نامیدند؛ زیرا هدایت می‌شود به امری که مخفی است».<sup>۲</sup>

## ۲. لشکر رعب

در پاره‌ای از روایات آمده است امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با لشکر رعب یاری می‌شود. از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل شده است: «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛ قائم ما [اهل بیت] با [لشکر] ترس یاری می‌شود».<sup>۳</sup> نصرت به رعب برای جد بزرگوارشان پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم نیز گفته شده است. در روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام یکی از عطایای الهی به رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم یاری با رعب ذکر شده است.<sup>۴</sup>

قرآن کریم، لشکر رعب را از جمله امدادهای الهی دانسته و در چهار آیه به آن پرداخته است. این امداد خاص در جنگ بدر،<sup>۵</sup> جنگ احد<sup>۶</sup> و جنگ احزاب<sup>۷</sup> شامل حال لشکر اسلام شد و پیروزی یا حفظ آن‌ها را به دنبال داشت.

برخی از اهل لغت رعب را حالت ناامیدی به سبب شدت ترس می‌دانند.<sup>۸</sup> برخی دیگر رعب را حالتی دانسته‌اند که آرامش را به صورت کلی از انسان می‌گیرد.<sup>۹</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. ابن حجر هیثمی، ۱۴۲۸ ق

۲. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۹۰.

۳. صدوق، کمال الدین، ج ۱، ۳۳۱.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷.

۵. انفال، ۱۲.

۶. آل عمران، ۱۵۱.

۷. احزاب، ۲۶؛ حشر، ۲.

۸. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۵۶.

۹. مصطفوی، التحقیق، ج ۴، ص ۱۶۷.



### ۳. تأیید به نصرت

از پیامبر گرامی حضرت محمد ﷺ نقل شده است: «يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ؛ [قائم اهل بیت] با یاری الهی تأیید می‌شود».<sup>۱</sup> در روایت پیش‌گفته شده از امام محمد باقر علیه السلام نیز یکی دیگر از امدادهای الهی، تأیید به نصرت شمرده شده است: «مُؤَيِّدٌ بِالنَّصْرِ؛ تأیید شده با یاری».<sup>۲</sup>

یاری الهی یکی از بارزترین امدادهای الهی به مؤمنان است. در آیات متعددی از قرآن به این سنت مهم الهی برای حجت‌های آسمانی و انسان‌های متدین تصریح شده است. در برخی آیات، خبر دادن به این واقعیت است؛ مانند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و [در آخرت] روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم»<sup>۳</sup> و در بعضی آیات دیگر سنت یاری، به عنوان یک اصل تمام شده مطرح شده است: «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ \* إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ؛ وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده است\* که آنان یاری شدگانند»<sup>۴</sup> و در برخی دیگر آیات، نصرت آن‌ها را حقی بر عهده خود می‌داند: «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما».<sup>۵</sup>

نصرت الهی می‌تواند در قالب به‌کارگیری عواملی مانند لشکر رعب و گروه فرشتگان باشد که به صورت مستقل بیان می‌شود و می‌تواند علاوه بر آن‌ها، نصرت ویژه‌ای باشد که به نابودی همه لشکریان کفر و نیز استقرار فراگیر حکومت عدل الهی در کل زمین منتهی می‌شود. از امام حسن مجتبی علیه السلام روایتی نقل شده است که در کنار تأیید امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به ملائکه، نصرت الهی را به واسطه آیات و نشانه‌ها بیان می‌فرماید: «يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ».<sup>۶</sup> در روایتی از جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل شده است: «وَ يَزِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛ همه مشکلات در برابر امام قائم

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲. همان، ص ۳۳۱.

۳. غافر، ۵۱.

۴. صافات، ۱۷۱-۱۷۲.

۵. روم، ۴۷.

۶. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

تسلیم و رام شود».<sup>۱</sup>

#### ۴. اصلاح امور در یک شب

تحقق هر امری وابسته به ایجاد شرایط و زمینه‌های لازم آن پدیده است. هر چه آن امر، مهم‌تر و پیچیده‌تر باشد، اسباب و مقدمات آن نیز دقیق‌تر و عظیم‌تر است. روشن است که در این صورت، سامان یافتن امور مقدماتی آن رخداد، مشکل‌تر و از طول زمان بیشتری برخوردار خواهد بود. انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رویداد بی نظیری است که همه زمین و حتی فراسوی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این صورت اصلاح امور آن نیاز به زمان ویژه‌ای خواهد بود. از روایات استفاده می‌شود یکی از امدادها و الطاف الهی در این خیزش بزرگ عالم‌گیر، اصلاح خارق العاده امور مقدماتی آن است. از جناب عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه از امام محمد جواد علیه السلام نقل شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِيُصْلِحَ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى إِذْ ذَهَبَ لِيَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولٌ نَبِيٌّ؛ به درستی که خدای تبارک و تعالی هر آینه کار او را ظرف یک شب اصلاح کند؛ چنانکه کار کلیم خود، موسی را اصلاح کرد، آن‌گاه که رفت آتشی برگیرد؛ پس با مقام رسالت و نبوت برگشت».<sup>۲</sup>

اصلاح امور در یک شب در متون روایی اهل سنت نیز مطرح شده است. محمد حنفیه از پدرش، امام علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل می‌کند که فرمود: «الْمُهْدِيُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ».<sup>۳</sup>

#### ۵. لشکر ملائکه

در روایات متعددی از پیشوایان دین به همراهی ملائکه با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در فرایند ظهور تصریح شده است. از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم چنین نقل شده است: «او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده ظهور کند و دین خدای تعالی را چیره گرداند و به یاری خدا و نصرت ملائکه خدا مؤید

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ۲۸۳.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۴۴۴.

باشد (يُنصِرُ مَلَائِكَةَ اللَّهِ)، زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.<sup>۱</sup> همچنین در روایتی عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که درباره آیه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»<sup>۲</sup> فرمود: «آن امر ما است، خداوند عزّ و جلّ امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود، تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس».<sup>۳</sup> در روایات حضور گوناگونی از ملائکه مطرح شده است؛ مانند:

#### الف. فرشتگان مقرب

ابو خالد کابلی نقل می‌کند که امام سجّاد علیه السلام فرمود: «ای ابو خالد، به راستی فتنه‌ها و آشوب‌هایی همچون پاره‌های شب تار [فتنه‌هایی کور که منشأ و مقصد روشنی ندارد] به وقوع خواهد پیوست که احدی از آن‌ها نجات نیابد، جز آن کس که خداوند از او عهد و پیمان گرفته است. آنان چراغ‌های هدایت و چشمه سارهای دانش هستند. خداوند از هر آشوب سیاه و تاریکی نجاتشان بخشد. گویی صاحب شما [مهدی موعود] را می‌بینم که بر فراز شهر نجف پشت شهر کوفه برآمده و خود را آشکار کرده و در میان سیصد و اندی مرد، جبرئیل از طرف راست و میکائیل در سمت چپ و اسرافیل در پیش روی اویند، و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به دست گرفته و آن را گشوده است. آن پرچم را بر هیچ قومی فرود نیاورد، مگر اینکه خداوند - عزّ و جلّ - آنان را هلاک گرداند».<sup>۴</sup> همچنین از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ؛ پس اولین کسی که با او بیعت می‌کند، جبرئیل است».<sup>۵</sup>

#### ب. ملائکه حاضر در جنگ بدر

علی بن ابی حمزه نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ وَهُمْ

۱. خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۱۱.

۲. نحل، ۱.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۸.

۴. مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۵.

۵. علی بن ابراهیم قمی، التفسیر، ج ۲، ص ۲۰۵.

خَمْسَةَ آفٍ؛ هنگامی که قائم قیام می کند، فرشتگان روز بدر فرود می آیند و آنان پنج هزارند.<sup>۱</sup> در برخی روایات به نقل از ابو حمزه ثمالی از امام باقر ع نزول آن ها این گونه توضیح داده شده است: «ای ثابت، گویی من اکنون قائم خاندان خویش را می نگرم که به این نجف شما نزدیک می شود - و با دست خود به سمت کوفه اشاره فرمود - و همین که به نجف شما نزدیک گردد، پرچم رسول خدا ص را بر خواهد افراشت و چون آن را برافرازد، فرشتگان بدر بر او فرود آیند.»<sup>۲</sup>

### ج. ملائکه حاضر در کربلا

حضور این ملائکه در سرزمین کربلا چنین گزارش شده است: ریان بن شبیب گوید که روز اول ماه محرم خدمت امام رضا ع رسیدم؛... امام فرمود: «ای پسر شبیب، به راستی، محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته ظلم و قتال را در آن به سبب احترامش حرام می دانستند و این امت نه حرمت این ماه را نگه داشتند و نه حرمت پیغمبرش را. در این ماه، ذریه او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و بنه اش را غارت کردند. خدا هرگز این گناه آن ها را نیامرزد. ای پسر شبیب، اگر خواهی برای چیزی گریه کنی، برای حسین گریه کن که چون گوسفند سرش را بریدند و هجده کس از خاندانش با او کشته شدند که روی زمین ماندی نداشتند. آسمان های هفت گانه و زمین برای کشتن او گریستند و چهارهزار فرشته برای یاری اش به زمین آمدند و دیدند کشته شده است. آن فرشتگان بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود هستند، تا قائم ظهور کند و آنان از انصار و یاران او می باشند و شعارشان "یا لثارات الحسین" است.»<sup>۳</sup>

حضور ملائکه برای همراهی با امام مهدی ع هنگام ظهور، در برخی متون اهل سنت نیز انعکاس یافته است. قرطبی در مباحث مربوط به ظهور این حدیث را نقل کرده است: «فلو لم یبق من الدنیا إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی یأتیهم رجل من أهل بیتی، تكون الملائكة بین یدیه، و یظهر الإسلام؛ پس اگر از دنیا مگر یک روز باقی نمانده باشد، هر آینه خداوند، آن روز را طولانی

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۲۴۴.

۲. همان، ص ۳۰۸.

۳. صدوق، الامالی، ص ۱۳۰.

کند، تا اینکه مردی از اهل بیت می‌آید که ملائک نزد او هستند و اسلام را آشکار می‌کند.<sup>۱</sup> در کتاب الفتن به تعداد این ملائک اشاره شده است. در روایتی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمود: «يَمُدُّهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ خدا او را با سه هزار ملک مدد می‌رساند».<sup>۲</sup> حضور ملائک به شکل دیگری نیز گزارش شده است. طبرانی در حدیثی آورده است: «يَخْرُجُ الْمُهْدِيُّ وَعَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يُنَادِي إِنَّ هَذَا الْمُهْدِيُّ فَاتَّبِعُوهُ»<sup>۳</sup> و در کتاب الحاوی للفتاوی عبارت خلیفه الله آمده است: «يَخْرُجُ الْمُهْدِي وَعَلَى رَأْسِهِ عِمَامَةٌ فِيهَا مُنَادٍ يُنَادِي: هَذَا الْمُهْدِي خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ».<sup>۴</sup>

## ۶. نزول عیسی

از حوادث بسیار مهم و اثرگذار در زمان ظهور، نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است. فرود آمدن ایشان هنگام قیام امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام از دیدگاه همه مسلمانان - با وجود اختلاف در مذهب - یک واقعیت ثابت است و تردیدی در آن راه ندارد. از سفارینی نقل شده است: «و قد كثرت الأقوال في المهدي حتى قيل، لا مهدي إلا عيسى، و الصواب الذي عليه أهل الحق؛ إن المهدي غير عيسى، و إته يخرج قبل نزول عيسى. و قد كثرت بخروجه الروايات حتى بلغت حد التواتر المعنوي و شاع ذلك بين علماء السنة حتى عد من معتقداتهم؛ اقوال و آرا درباره مهدی بسیار است، تا جایی که گفته شده است: مهدی ای به جز عیسی بن مریم وجود ندارد. سخن صحیح و صواب آن است که اهل حق گفته‌اند که مهدی غیر از عیسی بن مریم است و اینکه مهدی قبل از نزول عیسی خروج خواهد کرد. روایات درباره خروج مهدی آن قدر زیاد است که به درجه تواتر معنوی رسیده و آن قدر میان علمای اهل سنت شیوع یافته که به عنوان یکی از باورهایشان مطرح شده است».<sup>۵</sup>

عبدالله بن عباس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت کرده است: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَيَّ

۱. قرطبی، التذكرة، ص ۱۲۰۳.

۲. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۶.

۳. طبرانی، مسند الشاميين، ج ۲، ص ۷۱.

۴. سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۳.

۵. سیوطی، العرف الوادی، ص ۶۴.

الْحَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْهُمْ أَخِي وَ آخِرُهُمْ وَلَدِي قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَخُوكَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قِيلَ فَتَنْ وَلَدُكَ قَالَ الْمُتَهِدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَدِي الْمُتَهِدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ فَيَصِلِي خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛ پس از من خلفای من و جانشینانم و حجت‌های الهی بر خلق، دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است. گفتند: ای رسول خدا، برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی؛ همان کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد. سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از عمر دنیا جز يك روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند، تا فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سر او نماز بخواند و زمین به نورش روشن شود و حکومتش به شرق و غرب عالم برسد.<sup>۱</sup>

حضور حضرت عیسی در انقلاب نهایی موعود عالم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در متون روایی اهل سنت نیز با فراوانی و اعتبار خاصی مطرح شده است. در روایتی معروف از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم نقل شده است که فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ، وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ».<sup>۲</sup> شاید حکمت فرود آمدن آن حضرت هنگام ظهور، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه است؛ به‌ویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می‌کند. نزول عیسی از آسمان و اقتدا به آن حضرت در نماز، یکی از ابزارهای موفقیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. به صورت طبیعی، وقتی عیسی به منزله منجی از نگاه مسیحیت، رهبری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌پذیرد و برای استقرار عدالت با او هم‌کاری می‌کند، منتظران عیسی نیز به او می‌پیوندند و همراه با مسلمانان که از قبل پیوسته بودند، جبهه توحید مستحکم‌تر شده، قوی‌تر عمل می‌کند.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.  
 ۲. بخاری، الصحيح، ج ۴، ص ۱۶۸، ش ۳۴۴۹.



## ۷. نیروهای طبیعت

بخشی از امدادهای غیبی الهی در دوران قیام امام مهدی نیروها و امکانات طبیعت است. پشتیبانی خداوند از حجت‌های خود به وسیله نیروهایی چون باد و باران و... امری سابقه‌دار است. نمونه روشن آن حمایت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با باران در جنگ بدر است: «إِذْ يُغَشِّيكُمْ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ؛ و [یاد آورید] هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند و پلیدی شیطان را از شما دور سازد و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد»<sup>۱</sup>.

با توجه به آنچه در ابتدای بحث گذشت، اگر به کارگیری از نیروهای طبیعت از سوی خداوند باشد، امداد الهی گفته می‌شود و اگر از سوی امام باشد، معجزه اطلاق می‌شود؛ بنابراین ما در این قسمت به مواردی می‌پردازیم که استفاده از طبیعت استناد به خداوند دارد، و آنچه را که با عنایت الهی به دست امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ انجام می‌شود، در محل خود بیان خواهیم کرد.

## سخن گفتن سنگ

در روایات موجود در کتب حدیثی، از تکلم سنگ در گرماگرم مبارزه امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ با لشکریان کفر و پلیدی سخن به میان آمده است. ابو بصیر در تبیین آیه ۳۳ سوره توبه از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند: «فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبَقْ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْهُ؛ هنگامی که قائم خروج کند، باقی نمی‌ماند کافری به خدای بزرگ و نه مشرکی به امام، مگر اینکه دوست ندارد خروج او را؛ [زیرا در زمان خروج او] حتی اگر کافر یا مشرکی خود را در داخل سنگی قرار دهد، هر آینه آن صخره می‌گوید: ای مؤمن، در داخل من کافری است؛ مرا بشکن و او را بکش»<sup>۲</sup>.

این امداد الهی در متون روایی اهل سنت نیز مطرح شده است. ابوهریره از وجود مقدس

۱. انفال، ۱۱.

۲. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۰.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ، حَتَّى يَقُولَ الْحَجْرُ وَرَاءَهُ الْيَهُودِيُّ: يَا مُسْلِمُ! هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَائِي فَأَقْتُلْهُ؛ سَاعَتٌ بَرِّ پَا نَمِي شُود، تَا اَيْنَكِه بَا يَهُود، بِه جَنگ خَوَاهِيد پَرْدَاخْت. حَتِي سَنگِي كِه دَر پِشْت او يَهُودِي مَخْفِي شُدِه اِسْت مِي كُوِيد: اِي مُسْلِمَان، پِشْت مَن يَك يَهُودِي اِسْت؛ او رَا بَكَش.»<sup>۱</sup>

### سير با ابر

از حوادث مهم هنگام ظهور، کیفیت اجتماع یاران به ویژه یاران خاص است. مفضل بن عمر در مورد آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»<sup>۲</sup> از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کند که این آیه برای اصحاب غیر حاضر امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ نازل شده است: «إِنَّهُمْ لَيُفْتَقِدُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ لَيْلًا فَيُصْبِحُونَ بِمَكَّةَ وَبَعْضُهُمْ يَسِيرُ فِي السَّحَابِ؛ أَنَانِ شَبِّ از بَسْتَرِ خُودِ نَاپِدِيدِ مِي شُونَد وَ بَا مَدَادِ دَر مَكِه بَاشَنَد وَ بَرخِي دَر اَبَر سِير مِي كَنَنَد.»<sup>۳</sup>

### پیچیده شدن زمین

یکی از عنایات‌های الهی به برخی بندگان مؤمن مخلص، «طی الارض» است؛ یعنی زمین به گونه‌ای زیر پای انسان پیچیده می‌شود که مسافت بسیار زیاد در مدت کوتاه و لحظه‌ای طی می‌گردد. یکی از امدادهای الهی که در زمان ظهور رخ می‌دهد و در کار حضرت تسریع می‌بخشد، استفاده از لطف الهی «طی الارض» است. در روایتی شخصی به نام حسین بن خالد پیرامون امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ و قیام ایشان، از امام رضا چنین نقل می‌کند: «او کسی است که زمین برای او پیچیده شود.»<sup>۴</sup>

از روایات استفاده می‌شود این امداد و لطف الهی همچنین برای یاران هنگام اجتماع آنان زمان ظهور اتفاق می‌افتد. ابوبصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده است: «يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ فِي

۱. بخاری، الصحيح، ج ۴، ص ۴۲، ش ۲۹۲۶.

۲. بقره، ۱۴۸.

۳. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۲.

۴. خزاز رازی، کفایة الاثر، ص ۲۷۵.

لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ لِكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَدِهِ الْيُمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّى لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ در شب بیست و سوم به نام امام قائم ندا شود، و در روز عاشورا قیام می‌کند، و آن روزی است که حسین بن علی در آن کشته شده است. گویی آن جناب را می‌نگرم که روز شنبه، دهم محرم در میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در سمت راست او فریاد می‌زند: "بیعت برای خدا!" پس شیعیان آن حضرت از اطراف زمین به سویش رهسپار گردند، و زمین زیر پایشان به سرعت پیچیده شود تا خدمتش رفته، با او بیعت کنند. خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنانکه از جور و ستم پر شده باشد.<sup>۱</sup>

#### ۸. برکات طبیعت

یکی از اتفاقات بسیار زیبا در زمان ظهور امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ آن است که طبیعت پس از گذران دوران سخت و تلخ قبل از ظهور که با چالش‌هایی روبه‌رو بود، به حالت اصلی خود باز می‌گردد. رفتارهای ناصواب انسان‌ها و گناهشان نه تنها پرونده آخرتی آن‌ها را آلوده کرده، که بر طبیعت نیز اثر گذاشته و باعث فساد در آن شده است. خداوند می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ فساد، در خشکی و دریا به سبب کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است».<sup>۲</sup> در زمان ظهور، با رفع آلودگی‌ها و پلیدی‌ها، طبیعت این فرصت را پیدا می‌کند تا به اصل خود برگردد و بر پایه آنچه خلق شده است، حرکت کند. این در حالی است که قابلیت کسب لطف ویژه الهی را نیز خواهد یافت. ابو سعید خدری از پیامبر اکرم حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین نقل می‌کند: «إِنَّ الْمُهْدِيَّ مِنْ عَشْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَخْرُجُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَنْزِلُ لَهُ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرُهَا وَ تُخْرَجُ لَهُ الْأَرْضُ بَدْرَهَا؛ مهدی از اولاد من، از اهل بیت من است. در آخر الزمان قیام می‌کند. آسمان برای او باران می‌بارد و زمین برای او دانه‌های خود را می‌رویاند».<sup>۳</sup>

۱. مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. روم، ۴۱.

۳. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۸۰.

مهرورزی بی‌مانند طبیعت به انسان در روزگار ظهور در متون روایی اهل سنت نیز انعکاس یافته است. طبرانی در روایتی مشابه با روایت قبل از ابو سعید خدری از پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که فرمود: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أُمَّتِي يَقُولُ بِسُنَّتِي، يُنْزِلُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَيُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ مِنْ بَرَكَتِهَا، تُمَلَأُ الْأَرْضُ مِنْهُ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلْتَّ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ مردی از امت من قیام می‌کند که به سنت من سخن می‌گوید. خداوند عز و جل برای او باران نازل می‌کند و زمین برای او بذرهایش را می‌رویاند. از او زمین از قسط و عدل سرشار می‌شود؛ همان‌گونه که پُر از جور و ظلم شده است».<sup>۱</sup>

### معجزات

یکی از اتفاقات مهم در زمان ظهور حوادث خارق العاده‌ای است که امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ انجام می‌دهد. این رویدادها از یک سو قابل انقسام به هنگامه قیام و دوران تثبیت حکومت است و از سوی دیگر، قابل تقسیم به اموری است که برای اثبات امام و موعود بودن رخ می‌دهد و اموری که به تسریع در کارها و تسکین قلوب مؤمنان می‌انجامد؛ بنابراین چهار نوع معجزه در دوران ظهور متصور است. این معجزات اقسام گوناگونی را شامل می‌شود و ما به نقل روایاتی که دریافت کردیم، می‌پردازیم.

بیان این نکته دارای اهمیت فوق العاده‌ای است که معجزه باید مطابق با شرایط روز و درک مردم و خواست آن‌ها باشد؛ بنابراین با توجه به مخفی بودن زمان ظهور و عدم آگاهی ما از شرایط آن روزگار انسان‌ها، نباید توقع داشت که معجزات امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در متون روایی انعکاس یافته باشد. اما با توجه به شرایط عام مورد انتظار مردم از واقعه ظهور، برخی حوادث، هم قابل پیش‌بینی است و هم برای مردم سایر زمان‌ها قابل درک می‌باشد. بر این اساس، ما به معجزاتی خواهیم پرداخت که در متون روایی گزارش شده و با معجزات اتفاق افتاده از سوی سایر انبیا و پیشوایان آسمانی قابل مشابه سازی اجمالی است.

۱. طبرانی، المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۵، ش ۱۰۷۵.

## ۱. به‌کارگیری قدرت‌های طبیعت

یکی از قدرت‌های عالم ماده، نیروی ابر و باد است که در مواردی تحت تسخیر حجت خداوند قرار می‌گیرد. خداوند درباره تسخیر نیروی باد به دست حضرت سلیمان می‌فرماید: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ؛ و تندباد را مسخر سلیمان ساختیم که به فرمان او حرکت می‌کرد». و در جایی دیگر آمده است: «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ؛ و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که صبحگاهان مسیر يك ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر يك ماه را».<sup>۲</sup>

در روایات آمده است که زمان قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ابر و باد تحت تسخیر ایشان خواهد بود. از رسول گرامی صلى الله عليه وآله وسلم نقل شده که فرمود: آن زمان که به معراج برده شدم و به حجاب‌های نور رسیدم و به حدی از والایی مقام که خدا خواست رسیدم، ندایی آمد و مرا خواند. ندا را پاسخ گفتم و عرض کردم: «بله ای پروردگارم، بلند مرتبه و والامقام هستی». دوباره ندا آمد: «ای محمد، تو بنده من و من ربّ تو هستم، پس مرا بپرست و بر من توکل کن. تو نور من در بین بندگانم و فرستاده من به سوی خلقم و حجت من بر مخلوقاتم هستی. برای تو و پیروانت بهشتی را خلق کرده‌ام و برای مخالفان آتشی را خلق کرده‌ام و برای اوصیای کرامت و احترامم را لازم نموده و برای شیعیان‌شان ثوابم را واجب کرده‌ام». گفتم: «پروردگارا، اوصیای من چه کسانی هستند؟» ندایی آمد: «ای محمد، نام اوصیای تو بر پایه عرشم نوشته شده است». من در حضور پروردگارم -جلّ جلاله- به پایه عرش نظر کردم، دوازده نور دیدم که در هر نور، سطری سبز رنگ بود و بر آن سطر، نام یکی از اوصیایم؛ اولین آنان علی بن ابی طالب عليه السلام و آخرین آنان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف بودند. گفتم: «پروردگارا، این‌ها بعد از من اوصیای من هستند؟» ندا آمد: «ای محمد، اینان اوصیا، دوستان، برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو در میان مخلوقاتم هستند. آن‌ها اوصیا و جانشینان تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند. قسم به عزّت و جلالم که دینم را به دست آنان پیروز می‌کنم و کلمه خویش را به وسیله آنان بالا خواهم برد و زمین را با آخرین آنان از لوث وجود دشمنانم پاک خواهم کرد و شرق و غرب عالم را به ملک و در اختیار او درخواهم آورد، لَأَسْخِرَنَّ لَهُ

۱. انبیاء، ۸۱.

۲. سبأ، ۱۲.

الرِّيحَ وَالأَدْلَانَ لَهُ السَّحَابَ الصَّعَابُ؛ بادها را فرمان بردار او می‌کنم، ابرهای سخت و سهمگین را در مقابل او و برای او خوار و ذلیل خواهم کرد»<sup>۱</sup>.

## ۲. آوردن کتب آسمانی

کتاب‌های مقدس آسمانی، دربردارنده پیام‌های الهی و راه روشن زندگی است. عموم پیروان ادیان، به این کتب به دیده احترام نگاه کرده و با اعتقاد به تقدس آن‌ها، خضوع و کرنش ویژه‌ای در برابر آن‌ها داشته، نسبت به هدایت‌ها و اوامر آن تسلیم هستند. قیام و انقلاب بزرگ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهان شمول بوده، پیروان سایر ادیان را نیز دربرمی‌گیرد. استخراج کتاب‌های آسمانی سایر ادیان از محلی پنهان به واسطه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نشانه آن است که او منجی و موعود همه ادیان و شرایع است؛ در نتیجه همراهی و اطاعت پیروان سایر ادیان در برابر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با کم‌ترین مخالفت انجام خواهد شد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ غَارٍ بِأَنْطَاكِيَّةٍ؛ تورات و دیگر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در انطاکیه است بیرون می‌آورد»<sup>۲</sup>.  
در متون روایی اهل سنت نیز به این مطلب اشاره شده است: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُهْدِيَّ لِأَنَّهُ يُهْدِي لِأَمْرِ خَفِيٍّ، وَيَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ أَرْضٍ يُقَالُ لَهَا أَنْطَاكِيَّةٌ؛ به درستی که مهدی نامیده شد؛ زیرا به امری که مخفی است هدایت شده است و خارج می‌کند تورات و انجیل را از سرزمینی که به آن انطاکیه گفته می‌شود»<sup>۳</sup>.

## ۳. احیای اموات (یاران خاص)

یکی از اتفاقات بسیار مهم در زمان گذشته، زنده شدن دوباره برخی افراد پس از مرگشان است. به این رویداد عجیب و غیرعادی، رجعت گفته می‌شود. در قرآن کریم به رجعت افراد مختلفی

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۶۴.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۳۷.

۳. نعیم بن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۵۵، ش ۱۰۲۳.

تصریح شده است؛ مانند رجعت همراهان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در سفر به کوه طور<sup>۱</sup> و زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل.<sup>۲</sup> با نگاه دیگر، زنده کردن مردگان، یکی از معجزات حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بود. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «وَإِذْ نُخْرِجُ الْمُوتَىٰ يَأْذُنِي؛ و مردگان را به فرمان من زنده می‌کردی».<sup>۳</sup>

از رویدادهای بسیار مهم زمان ظهور، حضور یاران ویژه است. این افراد از انسان‌های پاک و وارسته گذشته هستند که رجعت کرده، به امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ ملحق می‌شوند. در روایات خروج این اشخاص موحد از زمین و بازگشتشان به دنیا به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ نسبت داده شده است؛ بنابراین، یکی از معجزات زمان ظهور را می‌توان بازگشت گروهی از انسان‌های مؤمن به دنیا به برکت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ دانست. وجود این یاران علاوه بر آنکه تأییدی بر حرکت امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ است و ثابت می‌کند او موعود همه انبیا و ادیان است، باعث توجه بیشتر پیروان سایر ادیان به سمت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ و پذیرش آن حضرت می‌شود. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین نقل شده است: «يُخْرَجُ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعَةَ وَ عَشْرِينَ رَجُلًا خَمْسَةَ عَشَرَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى الَّذِينَ كَانُوا "يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ" ٤ وَ سَبْعَةَ مِنْ أَهْلِ الْكَهْفِ وَ يَوْشَعَ بْنِ نُونٍ وَ سَلْمَانَ وَ أَبَا دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ وَ الْمُقَدَّادَ وَ مَالِكَ الْأَشْتَرِ فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَارًا وَ حُكَّامًا؛ قائم از پشت شهر کوفه بیست و هفت مرد را خارج می‌کند که پانزده تن آنان از قوم حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌باشند که "به حق هدایت کنند و بدان دادگری نمایند" و هفت تن آنان اصحاب کهف هستند، و یوشع بن نون، سلمان فارسی، ابو دجانة انصاری، مقداد و مالک اشتر می‌باشند. پس این‌ها یاران و حکمرانان او هستند».<sup>۵</sup> در روایت منقول از عیاشی، محل خروج، پشت کعبه ذکر شده است: «استخرج من ظهر الكعبة».<sup>۶</sup>

۱. بقره، ۵۶.

۲. بقره، ۲۴۳.

۳. مائده، ۱۱۰.

۴. اعراف، ۱۵۹.

۵. شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۸۶.

۶. عیاشی، التفسیر، ج ۲، ص ۳۲.



البته در کتاب دلائل الامامة، خارج کردن این افراد به صورت مستقیم به خدا نسبت داده شده است: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ مِنْ ظَهْرِ هَذَا الْبَيْتِ، بَعَثَ اللَّهُ مَعَهُ سَبْعَةَ وَ عِشْرِينَ رَجُلًا»<sup>۱</sup>. در این صورت، حضور این یاران ویژه از امدادهای الهی محسوب می شود.

در متون روایی اهل سنت نیز به حضور برخی پاکان گذشته در بین یاران امام مهدی اشاره شده است. ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «أَصْحَابُ الْكَهْفِ أَعْوَانُ الْمُهْدِيِّ»<sup>۲</sup>.

#### ۴. پرچم فتح

انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تحقق آرزوی مستضعفان و به واقعیت پیوستن امید مؤمنان است؛ لذا مورد اقبال عمومی مردم قرار می گیرد؛ اما پیروان زر و زور و همراهیان ابلیس را به شدت خشمگین می کند. آن ها با همه توان خود به مقابله با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف خواهند پرداخت. روشن است برای پیروزی در این جنگ تمام عیار که با اراده الهی به نابودی همه مظاهر ظلم و تباهی به پایان خواهد رسید، سازوکار مناسبی باید فراهم آید.

پرچم یک لشکر، نشانه هویت آن سپاه بوده و اهتزاز آن به معنای وجود و حیات لشکر است. از قدیم تا زمان کنونی، نشانه پیروزی یک لشکر در میدان نبرد، به زیر کشیدن پرچم دشمن و برافراشته کردن پرچم خودی در آن منطقه است.

از روایات استفاده می شود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از پرچم ویژه ای استفاده می کنند که نشانه هویت اسلامی و الهی قیام ایشان است؛ زیرا منتسب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. ابو حمزه از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشريف روایت کرده است: «كَأَنِّي بِقَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي قَدْ عَلَا مَجْفِكُمْ، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ مَجْفِكُمْ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ؛ گویی به قائم می نگرم که بر نجف شما [کوفه] بالا رفته است و چون بر آن درآید، پرچم رسول خدا را برافرازد»<sup>۳</sup>.

ویژگی مهم دیگر این پرچم آن است که به آن پرچم پیروزی گفته می شود؛ زیرا وقتی به اهتزاز درآید، به پیروزی لشکریان اسلام منجر می شود. ابوبصیر از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشريف روایتی نقل کرده

۱. طبری، دلائل الامامة، ص ۴۶۳.

۲. سیوطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۲۱۵.

۳. عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۱۰۳.



است که فرمود: «أَنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ شَيْبَةِ ذِي طَوَى فِي عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا حَتَّى يُسْنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَيَهْرُ الرَّايَةَ الْعَالِبَةَ؛ قائم در میان گروهی به عدد اهل بدر، سیصد و سیزده تن، از گردنه ذی طوی پایین می‌آید تا آنکه پشت خود را به حجر الأسود تکیه می‌دهد و پرچم پیروز را به اهتزاز در می‌آورد».

از روایات استفاده می‌شود این پرچم، خاص است و فقط در بعضی مواقع استفاده می‌شود. ابوحمزه ثمالی در مورد ویژگی آن از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده است: «عَمُودُهَا مِنْ عُمْدِ عَرْشِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ وَ سَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ؛ قُلْتُ: فَخَبْرَةُ عِنْدَكُمْ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ أَمْ يُؤْتَى بِهَا؟ قَالَ: لَا بَلْ يُؤْتَى بِهَا؛ قُلْتُ: مَنْ يَأْتِيهِ بِهَا؟ قَالَ: جِبْرِئِيلُ؛ میله آن از عمودهای عرش خدا و رحمت اوست و علمدار آن پرچم نصرتی از یاری خداوند است. با آن پرچم به چیزی فرود نمی‌آید، مگر اینکه خداوند آن را نابود می‌سازد. عرض کردم: "پس نزد شما پنهان است تا آنکه قائم قیام کند یا [به موقع] برای او می‌آورند؟" فرمود: "نه؛ بلکه برایش خواهند آورد". عرض کردم: "چه کسی برای او می‌آورد؟" فرمود: "جبرئیل" <sup>۱</sup>.

همچنین در روایتی از وجود مقدس امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هِيَ وَ اللَّهِ قُطْنٌ وَ لَا كَتَانٌ وَ لَا قَرْ وَ لَا حَرِيرٌ؛ قُلْتُ: فَمِنْ أَيِّ شَيْءٍ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ يَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ نَشَرَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَ هِيَ عِنْدَنَا هُنَاكَ لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ فَإِذَا هُوَ قَامَ نَشَرَهَا؛ ای ابا محمد، به خدا قسم آن پرچم نه از پنبه است و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر. عرض کردم: "پس از چه چیزی است؟" فرمود: "از ورق [برگ] بهشتی است. رسول خدا روز بدر آن را برافراشت و بعد آن را در پیچید و به علی داد. پس همچنان نزد علی بود تا هنگامی که روز بصره فرا رسید، آن را برافراشت پس خداوند پیروزی را نصیب او ساخت. سپس آن حضرت آن را در هم پیچید و آن اینجا نزد ما است. هیچ کس آن را نخواهد گشود تا آن گاه که قائم قیام کند، و چون او قیام نمود آن را برخواهد افراشت" <sup>۲</sup>.

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۳۰۹.

۲. همان، ص ۳۰۷.

در متون روایی اهل سنت نیز به این پرچم اشاره شده است. در روایتی از امام علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است «يَخْرُجُ بِرَايَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ مِرْطٍ مُحْمَلَةٍ سَوْدَاءٍ مُرَبَّعَةٍ، فِيهَا حَجْرٌ لَمْ يُنْشَرْ مُنْذُ تُوفِّيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا تُنْشَرُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمُهْدِيُّ؛ بِيرِقِ رَسُولِ خُدا را با پارچه مخمل سیاه چهارگوشی بیرون می‌آورد. در آن بیرق حرمت [یا سنگ کوب] است از موقعی که رسول خدا از دنیا رفت، آن بیرق منتشر نشده و منتشر هم نخواهد شد تا مهدی خروج کند»<sup>۱</sup>.

## ۵. میراث انبیا

یادگارهای گذشتگان، نمادهایی هستند تا علاوه بر آنکه یاد پیشینیان را برای ما زنده نگه می‌دارند، ما را با گذشته پیوند دهند. تاریخ و عبرت‌های آن بزرگ‌ترین درس برای آیندگانی است که تأمل و تدبیر در آن را چراغ راهی برای ادامه مسیر زندگی خود می‌دانند؛ به ویژه آن گاه که آن میراث‌ها یادآور خاطراتی ارزشمند و انسان‌ساز باشد.

هریک از پیامبران الهی متناسب با زمان خود در ابلاغ رسالت از معجزات و ابزارهایی بهره می‌بردند. برخی از این ابزارها و معجزات فقط در زمان خودشان قابل استفاده بوده و مدت آن تمام شده است؛ مانند: ید بیضای حضرت موسی علیه السلام؛ ولی برخی دیگر از معجزات در دوران‌های دیگر نیز می‌تواند استفاده شود و آثار خاص خود را به همراه داشته باشد؛ مانند عصای موسی علیه السلام یا انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام.

از آنجایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خاتم همه انبیا و پایان بخش رسولان الهی است، و آخرین جانشین آن حضرت، وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عهده‌دار تشکیل حکومت جهانی با دین آسمانی اسلام در سراسر زمین است، در اختیار داشتن موارث پیامبران گذشته دلیلی بر حقانیت قیام آن حضرت است و کمک شایانی در تحقق این مأموریت مهم خواهد داشت. بر این اساس، در روایات فراوانی گزارش شده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور، بسیاری از میراث‌های پیامبران پیشین را به همراه خواهد داشت. امام محمد باقر علیه السلام از پدران گرامی خود

۱. نعیم ابن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۳۶۶.

از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل می‌کند: «الْمُهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ يَأْتِي بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ مهدی از فرزندانم، غیبت و حیرتی دارد که امت‌ها [در آن] گمراه شوند. او با ذخیره پیامبران می‌آید و زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنانکه پر از جور و ستم شده باشد»<sup>۱</sup>.

از گران‌سنگ‌ترین میراث انبیای گذشته، پیراهن حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ و حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَامُ است. در روایتی که مفضل بن عمر از امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است، آمده که آن حضرت به من فرمودند: «أَتَدْرِي مَا كَانَ قَمِيصُ يُوسُفَ؟ قَالَ قُلْتُ: لَا؛ قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَمَّا أُوقِدَتْ لَهُ النَّارُ أَتَاهُ جَبْرَائِيلُ بِثَوْبٍ مِنْ شِيَابِ الْجَنَّةِ فَالْتَبَسَهُ إِيَّاهُ فَلَمْ يَضُرَّهُ مَعَهُ حَرٌّ وَ لَا بَرْدٌ، فَلَمَّا حَضَرَ إِبْرَاهِيمَ الْمَوْتَ جَعَلَهُ فِي تَمِيمَةٍ وَ عَلَّقَهُ عَلَى إِسْحَاقَ وَ عَلَّقَهُ إِسْحَاقُ عَلَى يَعْقُوبَ، فَلَمَّا وُلِدَ يُوسُفَ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ فَكَانَ فِي عَضِدِهِ حَتَّى كَانَ مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ فَلَمَّا أَخْرَجَهُ يُوسُفَ مِمِّصْرَ مِنَ التَّمِيمَةِ وَجَدَ يَعْقُوبَ رِيحَهُ وَ هُوَ قَوْلُهُ «إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْ لَا أَنْ تُفَنِّدُونِ»<sup>۲</sup> فَهُوَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ؛ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنِّي مَنْ صَارَ ذَلِكَ الْقَمِيصُ؟ قَالَ: إِلَى أَهْلِهِ؛ ثُمَّ قَالَ: كُلُّ نَبِيٍّ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرُهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ؛ می‌دانی پیراهن یوسف چه بود؟ عرض کردم: "نه". فرمود: "چون برای ابراهیم آتش افروختند، جبرئیل جامه‌ای از جامه‌های بهشت برایش آورد. او پوشید و با آن جامه گرما و سرما به ابراهیم زبانی نمی‌رسانید. چون مرگ ابراهیم در رسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت. و چون یوسف متولد شد، آن را بر او آویخت و در بازوی او بود تا امرش به آنجا که بایست رسید و چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گوید «اگر مرا سفیه نمی‌خوانید، من بوی یوسف را احساس می‌کنم» و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود". عرض کردم: "قربانت شوم آن پیراهن به چه کس رسید؟" فرمود: "به اهلش رسید". سپس فرمود: "هر پیامبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث گذاشته، به آل محمد رسیده است"<sup>۳</sup>.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. یوسف، ۹۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲.

از جمله میراث‌های مهم، یادگاری‌های دوران حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است. از امام باقر روایت شده است که فرمود: «كَانَتْ عَصَا مُوسَى لِأَدَمَ فَصَارَتْ إِلَى شُعَيْبٍ ثُمَّ صَارَتْ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ أَنْ هَالَعِنْدَنَا وَ إِنَّ عَهْدِي بِهَا أَنْفَاءً وَ هِيَ خَصْرَاءُ كَهَيْئَتِهَا حِينَ انْتَرَعَتْ مِنْ شَجَرَتِهَا وَ أَنْهَا لَتَنْطِقُ إِذَا اسْتُنْطِقَتْ أُعِدَّتْ لِقَائِنَا يَصْنَعُ بِهَا مَا كَانَ يَصْنَعُ مُوسَى؛ عصای موسی از آن آدم بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید. آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزدم بود و مانند وقتی که از درختش باز شده، سبز است. زمانی که از آن [عصا] سوال شود، جواب گوید که برای قائم ما آماده گشته است. او با آن همان کار که موسی می‌کرد، انجام دهد».<sup>۱</sup>

همچنین در مورد کیفیت تدارکات و آذوقه اصحاب امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ از وجود مبارک امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام چنین روایت شده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ أَلَا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَامًا وَ لَا شَرَابًا وَ يَحْمِلُ حَجَرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وَقْرٌ بَعِيرٌ وَ لَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا انْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ فَسَنُ كَانَ جَائِعًا شَبِيعَ وَ مَنْ كَانَ ظَمْآنَ رُويَ فَهُوَ زَادَهُمْ حَتَّى نَزَلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ؛ هنگامی که حضرت قائم در مکه قیام کند و بخواهد آهنگ کوفه نماید، منادی‌اش فریاد کشد: "کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد". و سنگ حضرت موسی بن عمران که به وزن يك بار شتر است همراه آن حضرت می‌باشد. در هر منزلی که فرود آیند، چشمه آبی از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ، توشه آن‌هاست تا هنگامی که در نجف به پشت کوفه فرود آیند».<sup>۲</sup>

خاتم حضرت سلیمان از دیگر میراث‌های پیامبران گذشته است که در اختیار امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ قرار دارد. در روایتی از امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ ظَهَرَ بِرَأْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرَ مُوسَى وَ عَصَاهُ؛ هنگامی که قائم ظهور کند، با پرچم رسول خدا و انگشتری سلیمان و سنگ و عصای موسی ظهور می‌کند».<sup>۳</sup> در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام درباره ویژگی انگشتری حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «مَعَهَا خَاتَمٌ

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱.

۲. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۸۸.

۳. نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۸.

سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَعَصَى مُوسَى يَضَعُ الْحُتَمَ عَلَى وَجْهِ كُلِّ مُؤْمِنٍ فَيَنْطَبِعُ فِيهِ هَذَا مُؤْمِنٌ حَقًّا وَيَضَعُهُ عَلَى وَجْهِ كُلِّ كَافِرٍ فَيَنْكَتِبُ هَذَا كَافِرٌ حَقًّا؛ همراه او خاتم سلیمان و عصای موسی است. آن خاتم را بر روی هر مؤمنی که بنهد، این کلام بر آن نقش بندد: "هذا مؤمن حقا" و بر روی هر کافری که بنهد بر آن نوشته شود: "هذا كافر حقا".<sup>۱</sup>

از ارزشمندترین یادگارهای پیامبران، وسایلی است که از رسول گرامی، حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در نزد اهل بیت بوده و اکنون در اختیار امام مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فُرُجَهُ الشَّرِيفَ است. در روایتی از وجود مقدس امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: مَا تَرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ قَضِيبُهُ وَ رَايَتُهُ وَ لَامَتُهُ وَ سَرَجُهُ حَتَّى يَنْزِلَ مَكَّةَ فَيُخْرِجَ السَّيْفَ مِنْ غَمْدِهِ وَ يَلْبَسَ الدِّرْعَ وَ يَنْشُرَ الرَّايَةَ وَ الْبُرْدَةَ وَ الْعِمَامَةَ وَ يَتَنَاوَلُ الْقَضِيبَ بِيَدِهِ وَ يَسْتَأْذِنَ اللَّهَ فِي ظُهُورِهِ؛ صاحب الامر با آنچه از رسول خدا به او ارث رسیده، از مدینه به مکه رود. عرض کردم: "آنچه از رسول خدا به او ارث رسیده چیست؟" فرمود: "شمشیر رسول خدا و زره و عمامه و بُرد و چوب دستی و پرچم و سلاح و زین مخصوص او است. وقتی به مکه وارد شود، شمشیر را از غلاف بیرون کشد و زره را بپوشد و پرچم را برافرازد و برد و عمامه را در بر کند و چوب دستی مخصوص را به دست گیرد، و از خداوند برای ظهور خویش اذن طلبد".<sup>۲</sup>

در روایتی، پیراهن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در جنگ نیز از جمله میراث‌ها شمرده شده است. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «أَلَا أُرِيكَ قَيْصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى؛ قَالَ: فَدَعَا بِقَمَظٍ فَفَتَحَهُ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قَيْصَ كَرَابِيسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِي كُمَّهِ الْأَيْسَرِ دَمٌ؛ فَقَالَ: هَذَا قَيْصُ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضَرَبَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَ فِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ؛ فَقَبِلْتُ الدَّمَ وَ وَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِهِ؛ ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ رَفَعَهُ؛ آیا پیراهن قائم را که با آن قیام می‌کند، نشانت ندهم؟ عرض کردم: "چرا". پس امام جعبه‌ای را خواست و آن را گشود و از آن، پیراهن کرباسی را بیرون آورده آن را باز کرد. ناگاه دیدم در آستین چپ آن، خون مشاهده می‌شود. سپس فرمود: "این پیراهن رسول خدا است. روزی که

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵.



دندان‌های پیشین آن حضرت ضربه دید، آن را به تن داشت و قائم در این پیراهن قیام خواهد کرد". [راوی گوید: من آن خون را بوسیدم و بر صورت خویش نهادم؛ سپس امام صادق علیه السلام آن را پیچید و تا کرد و برداشت].<sup>۱</sup>

## ۶. تجميع عقول

از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در موفقیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای گسترش عدل در جامعه، تکامل عقول بشر در آن دوران است. طبق حدیث شریف جنود عقل و جهل که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است، عدل از جنود عقل به شمار می‌آید و جور از جنود و لشکریان جهل.<sup>۲</sup> در این صورت وقتی مردم از لحاظ عقل ضعیف باشند، زیر بار حکومت عدل نمی‌روند.

در مدینه فاضله مهدوی با تکامل عقول مردم، رفتار مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر اساس جهل و رقابت‌های ناسالم به تعارض تبدیل می‌شد، جای خود را به همکاری، تعاون و عقلانیت می‌دهد؛ به بیان دیگر، همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان، به دست می‌آید. چنانکه از احادیث استفاده می‌شود عقل، پیامبر درونی انسان است. از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده است که فرمود: «يَا هِشَامُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةٌ ظَاهِرَةٌ وَ حُجَّةٌ بَاطِنَةٌ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَأَلْعُقُولُ؛ ای هشام، خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان. حجت آشکار، رسولان و پیغمبران و امامانند و حجت پنهان، عقل مردم است».<sup>۳</sup> بر این اساس، در صورت حاکم بودن عقل بر جسم و جان، آدمی به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و نیل به سعادت، هموار خواهد شد. از امام صادق علیه السلام درباره عقل پرسیدند؛ امام فرمود: «مَا عُيِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتُسِبَ بِهِ الْجِنَانُ؛ عقل، آن [حقیقتی] است که به سبب آن، خداوند عبادت می‌شود و به [راهنمایی] آن، بهشت به دست می‌آید».<sup>۴</sup>

۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۴۳.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۱.

۳. همان، ص ۱۶.

۴. همان، ص ۱۱.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛ چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد؛ پس عقولشان را جمع کند و در نتیجه [تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوزند] خردشان کامل شود.»<sup>۱</sup>

در جامعه‌ای که امام معصوم حاکمیت نداشته باشد، شهوات بر عقل، غلبه دارد و نفس سرکش، یگانه فرمان‌روای افراد و گروه‌ها و احزاب است. پیامد این وضعیت، پایمال شدن حقوق انسان‌ها و فراموش گشتن ارزش‌های الهی است؛ ولی در جامعه موعود و در سایه فرمان‌روایی حجت خدا که عقل کل است، عقول انسان‌ها، میدان‌دار و سگان‌دار تصمیم و اقدام خواهد بود. روشن است که عقل به کمال رسیده، جز به خوبی و زیبایی فرمان نمی‌دهد.

### نتیجه‌گیری

امدادهای الهی از سنت‌های با اهمیت و پشتوانه‌ای محکم برای قیام جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که برای انجام مأموریت آن حضرت در راهنمایی و راهبری جامعه انسانی نقش مهمی دارد. این امدادهای خاص در کنار معجزاتی که از سوی آخرین حجت الهی رخ می‌دهد، باعث همراهی بیشتر مردم، تسکین قلوب مؤمنان و پیشبرد اهداف دینی می‌شود.

خداوند با هدایت ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لشکر رعب، نصرت خاص، لشکریانی از ملائک، اصلاح امور، نزول حضرت عیسی علیه السلام و نیروهای طبیعت به امداد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او می‌آید. همچنین معجزاتی مثل تسخیر نیروهای طبیعت، آوردن کتب آسمانی، احیای اموات، آوردن پرچم فتح، میراث انبیای گذشته، که به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می‌افتد، در نهایت به پیروزی حق و نابودی باطل در سراسر جهان و تشکیل حکومت دینی جهانی بر پایه شریعت اسلام می‌انجامد.

۱. همان، ص ۲۵.



## منابع

۱. ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، *القول المختصر*، دار التقوى، دمشق، ۱۴۲۸ق.
۲. احمد بن حنبل، احمد بن محمد، *المسند*، المحقق: أحمد محمد شاكر، دار الحديث، چاپ اول، قاهرة، ۱۴۱۶ق.
۳. بحرانی، ابن میثم، *قواعد المرام*، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۶ق.
۴. بخاری، محمد بن إسماعيل، *الصحيح*، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، چاپ اول، بی جا، ۱۴۲۲ق.
۵. ترمذی، محمد بن عيسى أبو عيسى، *السنن*، تحقيق: أحمد محمد شاكر، محمد فؤاد عبد الباقي، إبراهيم عطوة، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي، چاپ دوم، مصر، ۱۳۹۵ق.
۶. خزاز رازی، علی بن محمد، *كفاية الأثر*، بيدار، قم، ۱۴۰۱ق.
۷. راغب اصفهانی، حسين بن محمد، *مفردات ألفاظ القرآن*، دار القلم، بيروت، ۱۴۱۲ق.
۸. سیوطی، جلال الدين، *الحاوي*، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۴ق.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بكر، *العرف الوردی*، محقق: محمد كاظم موسوی، *المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية*، تهران، سال ۱۳۸۵ش.
۱۰. شيخ صدوق ابن بابويه، محمد بن علی، *كمال الدين و تمام النعمة*، اسلامية، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۱. \_\_\_\_\_، *الأمامي*، كتابچی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶ش.
۱۲. \_\_\_\_\_، *عيون أخبار الرضا عليه السلام*، محقق: مهدي لاجوردی، جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۳. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، محقق: محسن كوجه باغی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. طبرانی، سليمان بن أحمد، *مسند الشاميين*، محقق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، بيروت، ۱۴۰۵ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، *المعجم الأوسط*، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، دار الحرمين، القاهرة.
۱۶. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج*، محقق: محمد باقر خراسان، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
۱۷. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الإمامة*، بعثت، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرين*، مرتضوی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، *الغیبة*، مصحح: عبادالله طهرانی، علی احمد ناصح، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ سوم، قم، ۱۴۲۵ق.
۲۰. علامه حلی، *كشف المراد*، مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ دوم، قم، سال ۱۳۸۲ش.

۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، محقق: هاشم رسولی محلاتی، المطبعة العلمية، تهران، ۱۳۸۰ق.
۲۲. قرطبی، محمد بن أحمد، التذکره، محقق: صادق بن محمد بن ابراهیم، دار المنهاج، چاپ اول، ریاض، ۱۴۲۵ق.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، دارالکتاب، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴ق.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقیق، دارالکتب العلمیة، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم، بیروت - قاهره - لندن، ۱۴۳۰ق.
۲۷. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۸. \_\_\_\_\_، الفصول العشرة، دارالمفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۹. \_\_\_\_\_، الأمالی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق: علی اکبر غفاری، صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.
۳۱. نعیم بن حماد، کتاب الفتن، محقق: سمیر امین الزهیری، مکتبة التوحید، چاپ اول، القاهرة، ۱۴۱۲ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی